

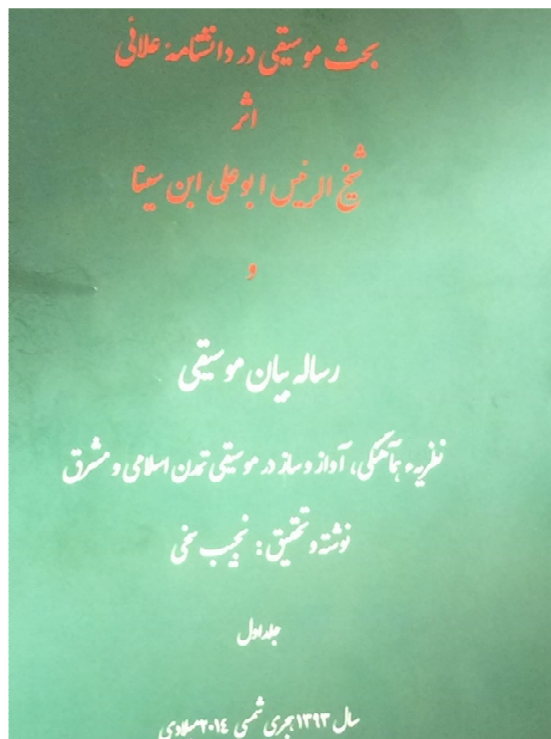
رساله بیان موسیقی، مشعلی برای شناخت موسیقی نظری اصیل سرزمین ما

۱۵/۵/۲۰۱۶

نویسنده: اکبر بارکزی

عدم آگاهی ما از داشته های فرهنگی و علمی که نیاکان ما آفریده اند، متأسفانه یک مشکل عام برای پیر و جوان جامعه ما می باشد. این بی خبری در بخش موسیقی بیشتر وجود دارد. چه موسیقی در بیش از دو قرن اخیر دستخوش تبلیغ سوء عده ای متعصبین متعلق به مکاتب سلفی، دیوبندی و اخوانی که در سازش با استعمار ایجاد گردیده اند، ممنوع دانسته شده و به اهل موسیقی بدیده تحقیر نگریسته میشد. موسیقی در دوره های معینی چون دوران حاکمیت طالبان جرم تلقی میشد. حال آنکه در دامن تمدن اسلامی بود که حدود هزار سال قبل نوابغی از فاریاب و بلخ خاستند و تئوری موسیقی را نه تنها برای ما بلکه برای جهان اساس گذاشتند و طی شش قرن بعد از آن در داخل تمدن اسلامی باز هم به همت فرزندان بلخ و هرات و سایر شهرهای حوزه اسلامی رشد داده شد. با رشد تمدن معاصر در جهان غرب از حساسیتها در برابر موسیقی کاسته شد. از اواخر قرن نوزدهم بدینسو موسیقی نوازان توسط دربارکابل از هندوستان وارد گردید و

این موسیقی توانست با محیط کلتوری در کابل خود را وفق دهد و در جوار آن موسیقی آماتور انکشاف یافت، اما این تحولات جانبی بوده و از ریشه موسیقی انکشاف یافته در تمدن خراسانی قرون هشت الی سیزده میلادی ناشی نمیشد. (رساله بیان موسیقی) نوشته پژوهشگر و نویسنده کشور ما نجیب سخی، چاپ سال ۱۳۹۳ هجری شمسی برای اینجانب درین زمینه چشم بازکن خوبی بود که از طریق آن با بخشی از هویت کلتوری و طمن یعنی داشته های نوابغ کشور ما در بخش موسیقی نظری آشنائی دقیق یافتم. از همین جهت می خواهم این کتاب بسیار با ارزش را به شما هموطنان عزیزم معرفی کنم.



نویسنده رساله بیان موسیقی، طوریکه از معرفی نامه اش در پشتی کتاب بر می آید، همچون عده زیادی از

دانشمندان ما باشند اروپا است. در فرانسه زندگی و کار میکند و لی در عین حال بنا به عشقی که از نو جوانی به موسیقی داشته است، تمرین عملی و مطالعه نظریه موسیقی تمدن اسلامی و مشرق را بصورت دوامدار ادامه داده است. وی با تسلط بر زبان فرانسوی و با استفاده از امکانات وسیع پژوهشی که در غرب موجود است به کاوش و تحقیق پرداخته است. ماحصل کار و تحقیق خستگی نا پذیر او همین کتاب ((رساله بیان موسیقی)) است که در دو جلد توسط مرکز انتشارات بامیان در فرانسه چاپ گردیده است اما صرف جلد اول آنرا دوستی لطف نموده برای من فرستاد. یکی از خدمات نویسنده رساله بیان موسیقی تجدید انتشار و خوانا نگاری اثر نفیس و کمیاب شیخ الرئیس ابو علی ابن سینا بنام ((بحث موسیقی در دانشنامه علانی)) در آغاز این کتاب می باشد. ضمناً از سرمایه علمی و نقش بزرگان برخاسته از خراسان زمین (فارابی- ابن سینا و امیر خسرو بلخی- دهلوی) در آغاز کتاب مختصراً صحبت شده است.

موسیقی بخش مهمی از کلتور و ثقافت یک ملت است. هر فرد باید در قدم نخست از کلتور ملتی که به آن تعلق دارد شناخت حاصل کند. آگاهی از موسیقی نظری که در دامن تمدن اسلامی و به همت پیشکسوتان فاریابی و بلخی این تمدن اساس گذاشته شده بود، نه تنها برای دست اندرکاران موسیقی کشور ما، بلکه برای هر افغان یک ضرورت مهم تلقی میگردد. تا زمانی که کلتور خود را نشناسیم، نه برای رشد آن کار کرده میتوانیم و نه قادر به دفاع از آن در برابر هجوم

فرهنگی بیگانگان خواهیم بود. در صفحه ۳۷ این کتاب میخوانیم: ((برما فرض است که تنسته وتاروپود موسیقی خود را بایگانی و محافظت کنیم. زیرا موسیقی هر ملت آهنگ زبان همان ملت است.)) رساله بیان موسیقی بما کمک میکند تا از نقش بزرگ فارابی و ابن سینا در بررسی انتقادی نظریات فلاسفه یونان بخصوص پیتاگور در رابطه با آواز، رد نظریه ماورالطبیعی پیتاگورو جاگزین ساختن آن با تئوری که به صدا بحیث یک پدیده طبیعی وفزیک مینگرد، تکامل صدا به موسیقی را به ریاضی مربوط میدانند، ووظیفه علم موسیقی را مناقشه هماهنگی وعدم هماهنگی نغمات تعیین میکنند آشنا شویم. رساله بیان موسیقی توضیح میدهد که امیر خسرو بلخی دهلوی (پسر امیر سیف الدین محمود، از امیرزاده های هزاره بلخ) بود که ((نظریه هماهنگی وروش موسیقی اسلامی وخراسان را ازخودساخت و باچنان فهم ومانندی در زادگاهش پتیهاله هند تطبیق نمود (۱۲۵۳ الی ۱۳۲۵م) که تا ۴۰۰ سال بعد از مرگش وحتی تا امروز میراث بزرگش درحلقه های موسیقی هند زنده وفعال است.)) امیر خسرو علم موسیقی را به هند برد ولی حالا هنرمندان ما برای آموزش موسیقی به هند میروند. حالانکه موحالانکه اگر به میراث علمی بزرگان خویش (موسیقی نظری پایه گزاری شده توسط فارابی وابن سینا وانکشاف داده شده توسط (تمسک جوینم، مجبور به آموزش درهندوستان نمیباشیم ومیتوانیم موسیقی واقعاً اصیل افغانی خویش را که مبنای علمی خواهد داشت، رشد واعتلا دهیم. درغرب نیز، به روایت رساله بیان موسیقی، همین موسیقی نظری تمدن اسلامی در قرون ۱۵ و ۱۶ به لاتین ترجمه شد و درقرن ۱۸ به زبانهای ایتالوی، فرانسوی وانگلیسی ترجمه گردید. موسیقی غربی با سود جوئی از موسیقی نظری تمدن اسلامی پایه گذاری شد اما بعدها به موسیقی معتدله مبدل گردید.

فهم موسیقی نظری برای دست اندرکاران موسیقی عملی بسیارمهم است درتمهید کتاب (صفحه ۳۶) می یابیم: ((محتوای موسیقی نظری عبارت از چکیده وجوهرچندین هزار ساله موسیقی عملی است، که گذشتگان متکی به توانائی واگاهی شان درمورد بما به ارث گذاشته اند. متأسفانه این میراث در زیر گرد و خاک ایام مدفون ومستور شده بود، که من همین گرد و خاک را زدودم تا این جوهر دوباره بدرخشد؛ زیرا کاربرد دقیق آن نیمی از تمام مشکلات ما را در زمینه مرفوع میکند؛ بمثابه چراغی است که راه را روشن کرده، و در پرتو آن آگاهانه قدم برمیداریم، هرگام جدید استوارترو عقلانی تر از ماقبل آن خواهد بود.))

وقایع تاریخی بعد از قرن ۱۳ میلادی یعنی تخریب مکرر تمدن اسلامی در خراسان زمین باعث مدفون شدن این میراث فرهنگی بود. استیلای استعمار انگیس بر منطقه وجنگها و بی امنیتی متداوم درخراسان (افغانستان) باعث گردید که این میراث فرهنگی همانطور زیر خاک بماند. اقدام شجاعانه و مسؤلانه نجیب سخی در زدودن گرد و خاک از آن میتواند گام نخست برای یک رنساس در زمینه موسیقی در افغانستان باشد. امید دست اندرکاران موسیقی کشور ما با برداشتن گامهای بعدی به این آرزوی ما جامه عمل بپوشانند.

رساله بیان موسیقی مشتمل بر ۵ بحث است. بحث نخست در ۵ فصل شرح دقیقست ازتعریف موسیقی، صدا، از صدا تا نغمه و سر انجام تا مقام با فرمولهای ریاضی آن. بحث دوم وقف وزن یاایقاع گردیده است. مطالعه این بحث وبحت ماقبل آن حتی به آدم نا آشنا به موسیقی چون اینجانب حس فهم موسیقی میبخشد. بحث سوم به مراحل تألیف وترکیب میپردازد. بحث چهارم به انواع موسیقی اختصاص یافته است. بحث پنجم وآخبرموسیقی آله ای و شرح آلات موسیقی اصیل ما که مادر آلات موسیقی جدید در جهان میباشند، اختصاص یافته است. درآغاز کتاب فهرست مندرجات ودر ختم آن فهرست منابع ۸۹ گانه که در تألیف کتاب از آنها استفاده شده است، درج میباشد. کتاب دارای شماره ISBN بوده وبا معیار های امروزه چاپ شده است. نا گفته نباید گذاشت که دو پیوند با معلومات مفید وتازه در شرح فارسی شیرازی و موسیقی واسلام درختم کتاب جا داده شده است. یگانه کمبودکتاب موجودیت چند اشتباه تایپی است. اگرچه این اشتباهات ازکیفیت محتوای کتاب کاسته نمیتواند ولی بحیث یک نقیصه باقی میماند. مطالعه این کتاب را نه تنها به دوستداران و دست اندرکاران موسیقی، بلکه به همه هموطنان علاقمند به فرهنگ ملی ما و علاقمندان به فرهنگ افغانستان و دوران طلانی فرهنگ اسلامی، توصیه میکنم. برای معلومات بیشتر یا درخواست کتاب آدرس ایمیل نویسنده کتاب را که در پشتی کتاب درج است، در اینجا برای شما خوانندگان عزیز این سطور نقل میکنم: nadijb.sakhy@hotmail.fr

(ختم)